

بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار

در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی در سطح فرانقش اندیشگانی

بتول واعظ*

عطیه سادات نصری**

چکیده

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظاممند هلیدی یکی از رویکردهای معناشناختی در تفسیر و تحلیل متون ادبی است که در مقابل زبان‌شناسی ساخت‌گرا قرار دارد. در پژوهش حاضر، قابلیت تطبیق این نظریه را در سطح فرانقش اندیشگانی برای بازخوانی سبکی متن دو سفرنامه دوره قاجار بررسی کرده‌ایم و به تفاوت نقش‌های زبان در دو سبک زنانه و مردانه از طریق نحوه بازنمایی آنها در فرایندهای فعل پرداخته‌ایم. پرسش اصلی این پژوهش چگونگی بازنمایی تجربیات و مشاهدات دو نویسنده در طول سفر از طریق ساختار گذرایی شکل‌گرفته در فرایندهایی است که جهان تجربی دو سفرنامه را به‌تصویر کشیده است. با گزینش بخش‌های مشابه در هریک از سفرنامه‌ها، به بررسی پانصد نمونه فرایند در هریک پرداختیم. پس از مشخص کردن نوع هریک از فرایندها و آمارگیری، درصد فراوانی کاربرد هریک از فرایندهای شش‌گانه (مادی، ذهنی، رابطی، کلامی، رفتاری، و وجودی) را در فرانقش اندیشگانی مقایسه کردیم. نتایج حاکی از این است که بسامد بیشتر فرایند ذهنی در سفرنامه بانوی قاجار، و بسامد بیشتر فرایند رابطی در سفرنامه مرد ناشناس، به‌ترتیب، نشان‌دهنده توجه بیشتر بانوی قاجار به جهان درون، و اهمیت بیشتر کشف روابط حاکم در جهان پیرامون و ارزش‌گذاری این روابط در ذهن و زبان نویسنده مرد است. در بررسی میزان کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه، روشن شد که سبکین سلطان ۲۷ درصد بیشتر از مرد ناشناس این افزوده‌ها را در متن به‌کار برده است که توجه بیشتر او را به ثبت جزئیات در طول سفر نشان می‌دهد. از نظر کاربرد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای، افزوده مکان و همراهی در سفرنامه نویسنده مرد و افزوده‌های درجه، کیفیت و قصد و علت در سفرنامه نویسنده زن بسامد بیشتری دارد. این موضوع تفاوت سبک را در دو نوشتار با توجه به نوع شکل‌گیری و تصویر تجربیات جهان بیرون در ذهن و نحوه بازنمایی آن در زبان دو نویسنده نشان می‌دهد. از نظر ساخت گذرایی در این دو سفرنامه، هرچا نویسندگان درحال زمینه‌چینی برای بیان مطلب اصلی هستند، جملات از گذرایی کمتری برخوردار است و هرچا رویداد و کلام مهمی مطرح شده است، میزان گذرایی جملات نیز بیشتر بوده است؛ به‌این‌معنا که فرایندهای فعلی در پیش‌زمینه کلام، دارای تعداد مشارکان بیشتر، ارادی، مثبت، دارای وجه واقعی، با عاملیت بالا و نمود غایی است و فریدیت مفعول و میزان تأثیرپذیری مفعول هم نسبت به جملات در پیش‌زمینه کلام بیشتر است.

کلیدواژه‌ها: زبان‌شناسی نقش‌گرا، فرانقش اندیشگانی، ساخت گذرایی، فرایندهای فعل، افزوده‌های حاشیه‌ای، سبک زنانه و مردانه، سفرنامه.

*استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) batulvaez@yahoo.com
**دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی atie.nasri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۳

فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی، سال ۱۲، شماره ۲ (پیاپی ۴۰)، تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۲۹-۱۵۳

Rereading Two Travelogues of Qajar Era Based on Systemic Functional Linguistics of Halliday at Ideational Metafunction Level

Batool Vaez*

Atieh Sadat Nasri**

Abstract

Systemic functional linguistics of Halliday is one of semantic approaches to the analysis and interpretation of literary texts as opposed to structural linguistics. In the present study, we have examined the applicability of this theory at the level of ideational metafunction to reread the style of the text of two travelogues of the Qajar era and to differentiate between language functions in both feminine and masculine styles through how they are represented in verb processes. The main question of this research is how to represent the experiences and observations of two authors during the journey through the transient structure formed in the processes that have depicted the experimental world of the two travelogues. By selecting similar parts in each travelogue, we examined five hundred process samples. After determining the type of each process and its statistics, we compared the frequency of the function of each of the six processes (material, mental, relational, verbal, behavioral, and existential) at the level of ideational metafunction. The results showed the higher frequency of the mental process in the Qajar lady's travelogue, and the higher frequency of the relational process in the unknown man travelogue, respectively, indicating the greater attention of the Qajar lady to the inner world, and the greater importance of discovering relationships in the world around and evaluation of these relations in the mind and language of the male author. Through our examining the use of marginal additions in the two travelogues, it became clear that Sakineh Sultan used these additions 27% more than the unknown man in the text, which shows her paying more attention to recording details during the trip. In terms of the use of various marginal additions, the addition of place and accompaniment in the male author's travelogue and the addition of degree, quality, intention, and cause in the female author's travelogue are more frequent. This shows style differences in the two writings regarding the formation and depiction of outside world experiences in the mind and their representation manner in the language of these two authors. In terms of transitive structure in these two travelogues, wherever the writers are preparing the ground for expressing the main point, the sentences are less transient and wherever an important event and speech is presented, the degree of transientness of the sentences is higher. This means that verb processes in the foreground of the speech have more participants, are voluntary and positive, have real face, with high agency and ultimate appearance, and individuality is object and the degree of the object's being influenced is more than the sentences in the background of the speech.

Keywords: Functional Linguistics, Ideational Metafunction, Transient Structure, Verb Processes, Marginal Additions, Feminine and Masculine Style, Travelogue.

* Assistant Professor in Persian Language and Literature at Allameh Tabataba'i University, (Corresponding Author) batulvaez@yahoo.com

** Ma Student in Persian Language and Literature at Allameh Tabataba'i University, atie.nasri@gmail.com

مقدمه

نشانه‌شناسی اجتماعی یکی از رویکردهای نشانه‌شناسی است که به جنبه ذهنی، فردی و جنبه‌های اجتماعی و متنی نظر دارد. نشانه‌شناسی اجتماعی به بررسی هر متن در موقعیت اجتماعی و فرهنگی خاص اشاره دارد. نشانه‌شناسان اجتماعی بر این باورند که نمی‌توان معنا را جدا از گوینده، شنونده و بافت بررسی کرد. آنها معنا را فرآورده فرآیندی می‌دانند که طی آن متنی بر اساس الگوها و منابع یک یا چند نظام نشانه‌ای خاص، به‌ویژه زبان، توسط گویشگری در زمان و مکان، اجتماع، تاریخ و فرهنگی خاص تولید و بازتولید می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۳۷-۴۰). مایکل هلیدی را می‌توان اصلی‌ترین پرچمدار نشانه‌شناسی اجتماعی دانست. او، به پیروی از استادش، جان فرث و برونیسلاو مالینوسکی، زبان را رفتاری اجتماعی می‌پندارد و به‌همین دلیل از نشانه‌شناسی اجتماعی سخن می‌گوید. به‌اعتقاد هلیدی، هر گزینه در زبان معنای خود را در مقابل وضعیت گزینه‌های دیگری به‌دست می‌آورد که می‌توانستند انتخاب شوند. این تعبیر نشانه‌شناختی به ما امکان می‌دهد که مناسب یا نامناسب بودن گزینه‌های زبانی را در بافتی که در آن به‌کار گرفته می‌شوند تشخیص دهیم. نقش‌گرایانی چون هلیدی هم‌زمان به جنبه فردی و جنبه اجتماعی دستگاه زبان، ذهن گوینده و جامعه نظر دارند. هلیدی معنا را محور اصلی زبان‌شناسی نقش‌گرا می‌داند و معتقد است الگوهای نحوی صرفاً برای تشخیص معنا هستند و این معنا با کاربرد برابر است. از نظر او، این کاربرد، کاربردی اجتماعی محسوب می‌شود نه صرفاً کاربردی موقعیتی، محدود و موضعی. او معتقد است معنا براساس تجربه دنیای بیرونی ما شکل می‌گیرد و الگوهای رفتاری ما مرهون محیط پیرامون ماست. ما، به‌شکلی اجتناب‌ناپذیر، رفتارها، اندیشه‌ها و ساختارهای ارزشی خود را در قالب زبان بیان می‌کنیم؛ بنابراین، زبان رسانه‌ای خنثی نیست، بلکه به‌شدت سوگیری دارد و هرآنچه گفته و نوشته می‌شود، دربردارنده باورها و ایدئولوژی ذهن گوینده است که به‌طور نهفته در زبان قرار می‌گیرد و به مخاطب منتقل می‌شود (همان، ۵۹-۸۱).

سفرنامه‌ها منابع ارزشمند اطلاعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هستند که مکان و زمان جغرافیایی خاصی را به‌روشنی پیش چشم مخاطب می‌گذارند. از گزارش‌های موجود چنین برمی‌آید که اندکی از سفرنامه‌های موجود را زنان نوشته‌اند.

همین تعداد معدود هم به دست همسران پادشاهان یا صاحب‌منصبان و به‌طور کلی طبقات بالای اجتماعی نوشته شده‌اند.

در این مقاله، کوشش شده است، با بررسی بخش‌هایی از دو سفرنامه عتبات، یکی متعلق به سکینه سلطان همسر ناصرالدین شاه (۱۳۱۷ ه‍.ق)، و دیگری متعلق به مردی ناشناس در دوره قاجار (۱۲۹۸ ه‍.ق)، این دو سفرنامه از منظر فرانقش‌اندیشگانی، که نوع نگرش‌گوینده یا نویسنده را به واقعیت و دریافت او را از جهان بیرون و درون نشان می‌دهد، بررسی شود و با بررسی نقش‌های زبان در هر دو متن، تفاوت سبک نوشتار زنانه و مردانه، که از نوع ذهنیت هریک از نویسندگان در بیان و بازنمایی تجربیاتشان از واقعیت حکایت دارد، نشان داده شود.

سفرنامه اول، شرح سفر سکینه سلطان ملقب به وقارالدوله، از همسران ناصرالدین شاه، به مکه و عتبات است. وقارالدوله سفرش را چهار سال پس از کشته شدن شاه و زمانی که به همسری معتصم‌الملک درآمد شروع کرد. سفر وقارالدوله از سال ۱۳۱۷ قمری شروع شده است و یک سال‌واندی طول کشیده است. وقارالدوله به‌گفته خودش در این سفر با پنج‌نفر همراه است. برادرش، آقامیرزا محمدعلی‌خان، زانی به نام‌های ماهرخ و سیده خانم، مردی به نام آقا سیداحمد و یک‌نفر کجاوه‌کش.

سفرنامه دوم، گزارش سفر فرد ناشناسی است که روز شنبه، پنجم ذی‌حجه سال ۱۲۹۸ هجری، آغاز شده و به قصد زیارت عتبات عالیات از تهران حرکت کرده است. پس از گذراندن منازل بی‌شمار در این راه، به‌همراه جنازه پدرش که آن را برای خاک‌سپاری به کربلا حمل می‌کرده است و ثبت وقایع به‌صورت روز‌شمار، در روز بیست‌وششم ربیع‌الثانی به تهران مراجعت کرده است. اگرچه اطلاعات چندانی از نام و کنیه نویسنده در تمام گزارش به‌چشم نمی‌خورد، از برخی گزارش‌های او در طول مسیر می‌توان به اطلاعات اندکی درباره نویسنده دست یافت. به‌نظر می‌رسد نویسنده داماد عمیدالملک بوده و با خاندان قاجار نسبتی داشته است؛ به‌همین دلیل، در میان مسیر، برخی از کارگزاران حکومتی از او استقبال یا او را بدرقه می‌کرده‌اند.

هدف و ضرورت پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت نوع نگاه زنانه و مردانه در ثبت جزئیات و دقت در جهان پیرامون در جریان سفر است. رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، با بررسی فرآیندهای زبانی، به آشکارسازی زوایای پنهان اندیشه و نوع نگاه نویسنده کمک می‌کند و این همان چیزی است که پژوهش حاضر در پی آن است. از آنجا که پژوهش‌های انجام‌گرفته در چارچوب این نظریه، هیچ‌یک، به بررسی سفرنامه‌ها، که بخشی از تاریخ اجتماعی ادبی ما را شکل می‌دهند، نپرداخته‌اند و زوایای پنهان این متون ارزشمند را واکاوی نکرده‌اند، انجام پژوهش حاضر ضروری می‌نمود.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی پژوهش آن است که تجربیات و مشاهدات دو نویسنده در طول سفر، چگونه از طریق ساختار گذرایی شکل گرفته در فرآیندهایی که جهان تجربی دو سفرنامه را به تصویر کشیده، نمود پیدا کرده است. پرسش دیگر اینکه تفاوت جنسیت دو نویسنده چه تأثیری در بیان تجربیات و مشاهدات ایشان در طول سفر داشته و این تفاوت نگاه چگونه از طریق فرآیندهای فعلی و نیز افزوده‌های حاشیه‌ای به‌کاررفته در متن دو سفرنامه نمود یافته است.

پیشینه پژوهش

اغلب پژوهش‌هایی که در چارچوب نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و فرانش اندیشگانی انجام شده‌اند، به بررسی فرآیندهای فعلی متون مورد بررسی خود پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی افزوده‌های حاشیه‌ای را بررسی کرده است. اما نزدیک‌ترین پژوهش به پژوهش حاضر، مقاله‌ای است با عنوان «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزئیات در داستان براساس دستور نقش‌گرا» که رضویان و احمدی (۱۳۹۵) در آن به بررسی افزوده‌های حاشیه‌ای در دو داستان «تیله شکسته» سیمین دانشور و «همان‌طور که بود» مدرس صادقی پرداخته و بسامد استفاده از انواع افزوده‌ها را در این دو داستان از حیث جنسیت نویسندگانشان مقایسه کرده‌اند.

در پژوهش دیگری با عنوان «بررسی جایگاه تجربه‌گر در نظام فکری اشرافی برمبنای فرانش اندیشگانی»، وفایی و میلادی (۱۳۹۹)، با بررسی فرآیندهای فعلی در دو رمان ساله از

سهروردی، به این نتیجه دست یافته‌اند که غلبه جهان‌بینی اشراقی باعث شکل‌گیری سیر مشخصی از تغییر فرآیندهای زبانی از رابطه‌ای به ذهنی شده است.

در پژوهش دیگری، صفایی و همکارانش (۱۳۹۶) فرآیندهای فعلی را، در شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» سروده فرخزاد، در چارچوب نظریه نقش‌گرا بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که فرآیند ذهنی، اگرچه کمترین بسامد را داراست، بر دیگر فرآیندهای فعلی از جهت القای معنای شعر تأثیرگذار بوده است. پژوهش‌های بسیاری نیز به بررسی سوره‌های قرآن از منظر فرانقش‌اندیشگانی پرداخته‌اند که از جمله آنها می‌توان به پژوهشی با عنوان «کار بست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره اشراح» اشاره کرد که در آن عزیزخانی و همکارانش (۱۳۹۶) به بررسی فرآیندهای فعلی این سوره پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که بسامد بالای فرآیند مادی با فضای متنی سوره هماهنگی دارد.

مبانی نظری

هلیدی نخستین‌بار در سال ۱۹۸۵ با انتشار مقدمه‌ای بر دستور نقش‌گرا، به معرفی نظریه نقش‌گرای نظاممند پرداخت. هلیدی ساخت ویژه نظام دستوری هر زبان را با نیازهای اجتماعی و فردی‌ای متناسب می‌داند که آن زبان در جهت برطرف کردن آنها پدید آمده است (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۸). زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی نظریه‌ای کاملاً معنامحور است که زبان را ساحت بازنمایی معنا می‌داند؛ بنابراین، می‌توان آن را نمونه نظریه‌ای معتدل در زبان‌شناسی دانست که ساختار و معنا را هم‌زمان در نظر می‌گیرد و در پی تحلیل رابطه متقابل آنهاست (مشکوة‌الدینی، ۱۳۹۵: ۱۲۴).

به عقیده هلیدی، نقش‌های اجتماعی زبان سبب پدید آمدن شکل دستور زبان می‌شود. بر این پایه، نظام دستوری زبان یک درون‌داد نقشی و یک برون‌داد ساختی را دربرمی‌گیرد. فرآیند مزبور نقش‌های اجتماعی گوناگون را با ساخت‌های زبانی مناسب در گفتار پیوند می‌دهد (همان، ۱۲۵).

از آنجاکه در زبان‌شناسی نقش‌گرا، زبان به‌منزله نظام نگریسته می‌شود، معنا از جایگاهی ویژه در این نگرش برخوردار است. بخش‌های بنیادین معنا در زبان، «فرانقش»^۱ خوانده می‌شوند. زبان‌شناسی نقش‌گرای نظاممند بر این باور است که زبان ابزاری برای انتقال معنی و برقراری ارتباط میان افراد جامعه است (ایشانی، ۱۳۹۳: ۲۳).

در این نظریه، «نقش» مفهومی کلیدی در این دیدگاه است. برخلاف پیشینیان، که نقش‌های زبان را اموری ثابت می‌دانستند، هلیدی نقش‌های زبان را تابع موقعیت و بافت فرهنگی-اجتماعی می‌داند. از نظر هلیدی، مهم‌ترین نقش زبان ایجاد ارتباط است. زبان مطابق با موقعیت و جایگاهش در جامعه نقش‌های گوناگون می‌پذیرد. از آنجاکه مفهوم نقش برای هلیدی بسیار مهم و کلیدی است، او این مفهوم را با عنوان «فرانقش» بررسی می‌کند. زبان در ارتباط با محیط اجتماعی انسان دو نقش عمده دارد: یکی معنابخشیدن به تجربیات انسان و دیگری به تصویرکشیدن روابط اجتماعی انسان. هلیدی سه فرانقش برای عناصر زبان قائل می‌شود: فرانقش اندیشگانی،^۲ فرانقش بینافردی،^۳ و فرانقش متنی.^۴

فرانقش اندیشگانی وظیفه درک محیط و انتقال اطلاعات را برعهده دارد. فرانقش بینافردی نیاز انسان را به برقراری ارتباط با افراد دیگر و تأثیرگذاری بر آنها برطرف می‌کند. فرانقش متنی دو نقش قبلی را به هم پیوند می‌دهد. این نقش مسئول برقراری ارتباط میان زبان و بافت ارتباطی است. از طریق برقراری این ارتباط، زبان به پدیده کلامی موضوعیت و وحدت می‌بخشد و آن را به شکل پیام درمی‌آورد (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۲۶-۲۸).

فرانقش اندیشگانی یا تجربی

زبان وسیله بازنمایی و بیان جهان بیرون و درون آدمی است. تجربه‌ها و تصویرهایی که ما از جهان بیرونی و جهان ذهنی خود داریم، به واسطه زبان مقوله‌بندی می‌شوند، به صورت مفاهیم درمی‌آیند، رمزگذاری و بیان می‌شوند (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۱). «فرانقش اندیشگانی زبان به تجربه سخن‌گویان از جهان بیرون و جهان درون زبان برمی‌گردد. این نقش درک ما را از واقعیت، و در نتیجه، تجربه ما را سامان‌بندی می‌کند؛ چگونگی نگرش ما را نسبت به جهان رقم می‌زند و از تجربه آدمی از جهان واقع سخن می‌گوید (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۵۲۹). برپایه فرانقش تجربی زبان، برای صحبت کردن درباره تجربه‌های خود از جهان بیرون و درون ذهن بهره می‌گیریم. مایکل هلیدی با برقراری ارتباط دوسویه میان دستور و معنا استدلال می‌کند که زبان بشری، با پدیدآمدن برخی ساختارهای معنایی، به انسان امکان می‌دهد تا درباره تجربه‌های خود بیندیشد و به عبارت دیگر، به شیوه‌ای سازنده منظور خود را به زبان آورد (پهلوان‌نژاد و نجفی، ۱۳۸۷: ۴۸). «این فرانقش جهان‌بینی گوینده را منتقل می‌کند و تجربه و رویکرد او را نسبت به جهان خارج انتظام می‌بخشد» (فالر، ۱۳۹۷: ۸۳).

هر فردی برای بیان تجربیات خود، از واژگان، عبارات و اصطلاحات منحصر به فرد استفاده می‌کند. انتخاب این واحدهای زبانی، بسته به موقعیت اجتماعی و فرهنگی فرد، متفاوت است و این تفاوت در زبان نمودار می‌شود. هر تجربه‌ای قابلیت معنامند شدن از طریق زبان را دارد. در واقع، زبان بستری است برای نظریه‌پردازی درباره تجربیات انسان و نیز منبعی از واژگان دستور برای ایفای این نقش است. این فرانش را فرانش اندیشگانی می‌نامیم. سه پیوستار در فرانش اندیشگانی بررسی می‌شوند: فرآیند، مشارکان فرآیند و عناصر حاشیه‌ای فرآیند.

۱. فرآیند: ۵ ناظر است بر یک رخداد، کنش، حالت، رابطه، احساس، کلام یا موجودیت که در قالب افعال موجود در متن بررسی می‌شود.

۲. مشارکان فرآیند: ۶ عوامل دست‌اندرکار فرآیند را در برمی‌گیرد و حول محور فرآیند عمل می‌کند. این عوامل می‌توانند یا عامل فرآیند باشند، یا فرآیند بر آنها اعمال شود، یا آنکه از فرآیند بهره‌مند شوند.

۳. عناصر حاشیه‌ای: ۷ علاوه بر فرآیندها و مشارکان، عناصر دیگری با نام عناصر حاشیه‌ای یا پیرامونی وجود دارند که موقعیت پیرامونی وقوع فرآیند را بیان می‌کنند و وجود آنها در بند اختیاری است. این عناصر معمولاً با حرف اضافه و به صورت گروه‌های اضافی و قیدی در بند ظاهر می‌شوند (تامپسون، ۲۰۰۴: ۸۷-۸۸). زمان و مکان، شیوه عمل، اسباب و وسائل و شرایط فرآیند را رقم می‌زنند (پهلوان‌نژاد و نجفی، ۱۳۸۷: ۴۲).

فرآیند

فرآیندها را می‌توان با توجه به معنایشان به شش نوع تقسیم کرد و آنها را در دو دسته کلی فرآیندهای اصلی و فرآیندهای فرعی قرار داد. فرآیندهای اصلی عبارت‌اند از: فرآیند مادی، فرآیند ذهنی و فرآیند رابطه‌ای. فرآیندهای فرعی عبارت‌اند از: فرآیند رفتاری، فرآیند کلامی، و فرآیند وجودی.

فرآیندهای اصلی

فرآیند مادی: ۸ فرآیندی است که بر انجام کاری یا رخداد واقعه‌ای دلالت دارد. فعل‌های آمدن، آوردن، پختن، چلاندن، سوختن و نوشتن، نمونه‌هایی از فعل‌های فرآیند مادی هستند.

فرآیند ذهنی:^۹ بر احساس، اندیشه و ادراک دلالت دارد. از جمله فعل‌های فرآیند ذهنی می‌توان از شناختن، دریافتن، درک کردن و رنجیدن نام برد.

فرآیند رابطه‌ای:^{۱۰} به چگونگی بودن چیزها و پدیدارها اشاره دارد و اغلب با فعل «بودن» بیان می‌شود و بر دو گونه است: گونه اول، گونه شناسایی است که در آن نوعی رابطه هم‌سانی در دو سوی رابطه دیده می‌شود و دیگری گونه وصفی که در آن، میان یک پدیده و یک صفت ارتباط برقرار می‌شود.

فرآیندهای فرعی

فرآیند رفتاری:^{۱۱} دربرگیرنده رفتارهای گوناگون جسمی و روانی یک موجود جاندار یا جاندار پنداشته شده است. افعالی مثل نفس کشیدن، خوابیدن، خندیدن، گریستن و... از این نوع‌اند. فرآیند کلامی:^{۱۲} شامل فعل‌هایی است که همه از نوع «گفتن»‌اند و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند.

فرآیند وجودی:^{۱۳} از موجودیت یا هستی یک پدیده یا نیستی آن سخن می‌گوید. معمولاً برای بیان این فرآیند از فعل «بودن» استفاده می‌شود (مهاجر و نبوی، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۴).

جدول ۱. انواع فرآیندها در فراتقش اندیشگانی زبان

انواع فرایند		مثال در متن دو سفرنامه
فرآیندهای مادی	کنش‌های عینی و فیزیکی	چادر کردم/ راه افتادیم/ سوار شدیم/ آدم کشته‌اند/ شام بدهند/ زدم به سرم/ آتش پختند/ خوردیم/ قرقره کردم/ ادای فریضه نمودم/ عقب حکیم فرستادیم/ حواله کرد/ چای دم کردم
	کنش‌های انتزاعی	مانع نشدند/ تدارک دیده‌اند/ گم کردم/ مهمان نموده‌اند/ خدا قسمت بکند/ گدایی می‌کرد/ روانه کردیم/ خرج کردیم/ قرض کنیم/ کاری نماییم
فرآیندهای ذهنی اصلی	احساسی	می‌ترسم/ ذوق دارم/ رضا شدم/ خشنود شدم/ هول می‌کردم/ در تعجب بودند/
	ادراکی	شنیدم/ دیدم/ بینم
	شناختی	خوب دستگیر من نشد/ یاد می‌کنم/ نمی‌دانم/ اطلاع دارد/ فراموش کردم/ به خرج ... نرفت/ قبول نمی‌کرد/ نمی‌فهمند/ فکر نمایم/ نمی‌فهمیم
	تصنایی	خیال مراجعت داشتند/ می‌خواهند/ خواستم/ خیال دارم/ خواستیم
فرآیندهای رابطه‌ای وصفی/ شناختی	تأکیدی	کمرنگ بود/ فکری بودیم/ معلوم بشود/ چشم همه روشن شد/ باصفا است/ آتش مثل ... می‌ماند/ به دوشان تپه می‌ماند/ پیدا نمی‌گردد
	ملکی	حق به گردن من دارند/ یکصد خانوار بیشتر ندارد/ مرغ و بز داشتند/ آبادی ندارد/ صفا ندارد/ عقل دارد/ انگور خوبی دارد/ ده مال ... است

اسمش... بود/ نان هزار دینار است	حاشیه‌ای		
	نزدیک به فرایندهای مادی که بر حرکات جسمی و فیزیکی دلالت دارند.	فرایندهای رفتاری	فرایندهای فرعی
	نزدیک به فرایندهای ذهنی ولی ارادی و از روی آگاهی		
عرق کردم/ اسب می‌شلید/ لنگ شدیم/ سرما خوردیم	فرایندهای روانی غیرارادی		
گریه کردم/ گریه و زاری می‌کردند	فرایندهای روانی که ارادی هستند		
از نرخ‌های منزل جویا نشدم/ تعریف می‌کردند/ چه عرض کنم/ عذر بیاورم/ وصف نمایم/ خبر آوردند/ روده‌درازی نمایم/ جواب بدهیم/ دعا خواندیم		فرایندهای کلامی	
روزی نیست که.../ یک پل بود/ بیکار ماندیم/ بی‌خرجی ماندیم/ بعضی جاها هست/ نبود (وجود نداشت)		فرایندهای وجودی	

مشارکان فرآیند و ساخت گذرایی

مشارکان همان افراد یا هویت‌هایی هستند که در انجام کنش یا فرآیند ایفای نقش می‌کنند و مفاهیمی چون کنشگر و حسگر را دربرمی‌گیرند (هلیدی و متیسن، ۲۰۰۴: ۲۶۱).

از نظر هلیدی، ساختارهای سه‌گانه زبان، یعنی ساخت گذرایی، ساخت وجه، و ساخت مبتدایی، به سه فرانش زبانی یعنی فرانش تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی تحقق‌زبانی می‌بخشند. ساخت گذرایی مربوط به فرانش تجربی زبان است. هاپر و تامسون (۱۹۸۰) در مقاله مهمی گذرایی را پدیده‌ای متأثر از چند عامل دانسته‌اند. یکی از این عوامل مشارکان فرآیند است. عوامل دیگر عبارت‌اند از حرکت (عمل یا غیرعمل)، نمود (غایی یا غیرغایی)، لحظه‌ای بودن، ارادی بودن، مثبت بودن، وجه (واقعی یا غیرواقعی)، عاملیت، تأثیرپذیری مفعول و فردیت مفعول. از نظر هاپر و تامسون، هرچقدر عوامل ده‌گانه بالا در جمله‌ای بیشتر باشد، میزان گذرایی آن بالاتر است.

از سوی دیگر، می‌دانیم در هر موقعیت گفتاری، بعضی بخش‌های گفتار مهم‌تر از بقیه بخش‌ها هستند. آن بخش‌هایی که اهمیت کمتری دارند و مستقیماً حرف اصلی سخنگو را منتقل نمی‌کنند، پس‌زمینه گفتار هستند. این بخش از کلام عمدتاً از حیث میزان گذرایی در سطح پایینی است. اما مطالب اصلی گوینده که بخش مهم کلام است پیش‌زمینه نامیده می‌شود که عمدتاً جملاتی است که میزان گذرایی‌شان زیاد است. گویندگان وقتی می‌خواهند زمینه‌چینی کنند، از جملاتی استفاده می‌کنند که میزان گذرایی پایینی دارند و وقتی

می‌خواهند حرف و نکته‌های اصلی را بیان کنند، از جملاتی استفاده می‌کنند که گذرایی بالاتری دارند (راسخ‌مهند و محمدی‌راد، ۱۳۹۴: ۲۶).

عناصر حاشیه‌ای

از دیدگاه هلیدی، افزوده یکی از عناصر ساختمانی بند است که ظرفیت نهاد واقع‌شدن را ندارد و نمی‌تواند به جایگاه بینافردی نهاد ارتقا یابد. افزوده می‌تواند به صورت گروه حرف اضافه‌ای، گروه قیدی، گروه اسمی و بند ظاهر شود. افزوده یکی از سازه‌های اختیاری بند است و حضور آن در بند اجباری نیست. در رویکرد نقش‌گرا در هر سه لایه معنای (فرانقش) زبان مطرح است. افزوده حاشیه‌ای متعلق به فرانقش تجربی یا اندیشگانی است. افزوده حاشیه‌ای درباره بند اطلاعات زمینه‌ای می‌دهد، اطلاعاتی مربوط به موقعیت زمانی و مکانی فرآیند، چگونگی و علت آن، و هدف و وسائل وقوع آن. برخی از انواع افزوده‌های حاشیه‌ای عبارت‌اند از:

۱. موقعیت: این عنصر بر زمان و مکان جریان فرآیند دلالت می‌کند.
۲. گستره: جریان‌یافتن فرآیند را در زمان و مکان نشان می‌دهد و فاصله مکانی‌ای است که فرآیند در طول آن در حال وقوع است یا دیرش زمانی جریان فرآیند؛ مانند: اگر از شرق به غرب عالم برود؛ او روزی دو ساعت مطالعه می‌کند.
۳. روش: روش و شیوه فرآیند را نشان می‌دهد که شامل سه زیرمقوله است:
الف: ابزار (با، به وسیله) ب. کیفیت (چگونه، به راحتی) ج. مقایسه (شبهه، به مثابه)
۴. علت: چرایی وقوع فرآیند را نشان می‌دهد. بیشتر به صورت بندهای پیرو و با حروف اضافه‌ای مثل بر اثر، در نتیجه، برای آنکه، به امید، به قصد، با هدف و... ظاهر می‌شود.
۵. همراهی: همراهی شکلی از مشارکت توأمان در فرآیند است و با حروف اضافه‌ای چون و، با، بدون، در، کنار و به جای بیان می‌شود.
۶. موضوع: با حروف اضافه‌ای چون درباره، در خصوص، درباب، پیرامون، به اعتبار، با توجه به، در رابطه با و... بیان می‌شود.
۷. نقش: معنای بودن و شدن را در قالب عنصر پیرامونی بازنمایی می‌کند. این نوع افزوده معمولاً با حروف اضافه به عنوان، در شکل، در نقش، در هیئت، و در قالب به کار می‌رود (صدری، ۱۳۹۴: ۵۸-۵۹).

جدول ۲. انواع افزوده‌های حاشیه‌ای

نوع افزوده	زیربخش‌های افزوده	مثال در متن دو سفرنامه مورد بررسی
گستره	مسافت	تا چهار مزرعه/ دو فرسنگ/ تا آنجا
	دیرش	از اول آفتاب تا سه از دسته گذشته/ از اول عمرم/ این چند روزه/ در این ایام بی‌پولی
	بسامدی	روزی دومرتبه/ شب‌های جمعه
موقعیت	مکان	از راه حلب/ از کاظمین/ اینجا/ پیش خواهر خانم/ تا کربلا/ بین راه/ تا شکم قاطرها
	زمان	امروز/ امشب/ آن شب/ بعد از صرف چای/ بعد از نماز و چای خوردن/ حالا/ روز اول ماه شعبان/ وقت پیاده‌شدن/ وقت اذان صبح/ سحر
تفصیلی	وسیله	
	کیفیت	با زحمت زیاد/ با هزار افسوس/ با هزار گریه/ با هزار شکر/ به ذوق زیارت/ به سلامتی/ با دل خوشی/ با اذن دخول/ پیاده/ در کمال اوقات تلخی/ مستعجلاً/ به هزار مرافعه
	مقایسه	مثل رودخانه فرسفج/ مثل باران/ مثل ملانصرالدین
	درجه	بسیار/ به قدری/ بیشتر/ خیلی/ زیاد
سبب	علت	زمین (از باران) آب‌پاشی شده/ از لطف خدا/ از عدم عقل/ از ترس باران
	قصد	برای اینکه/ برای جناب وزیر/ از برای خرج یومیه/ برای چاروادارها/ به امید خدا/ به عزم مسجد کوفه/ به جهت کرایه خانه/ به جهت جواب تلگراف
	به‌خاطر (ذی‌نفع)	به‌واسطه عرق‌داشتن/ به توسط چایبار/ به توسط میرزا محمودخان
محمتم	شرایط	
	پیش‌فرض	
همراهی	پذیرش	با وجودی که/ برخلاف کربلای معلی/ اگرچه
	هم‌کنش	با اجازه حضرت/ همراه آقای.../ همراه اینها/ با آقا سیدمحمد/ با مشارالیه/ به اتفاق همگی
تشریحی	افزایشی	هم/ باز هم/ دیگر/ دوباره
	نقش	در مقام محصول
فرافکنی	مضمون	مضمون
	زاویه	منشأ
		دیدگاه

بحث و بررسی

اگر بپذیریم که زبان اعمال، تفکرات، رفتارها و گفتار گویشوران را بازنمایی می‌کند، به این نتیجه می‌رسیم که نویسندگان نیز در متن، با اعمال گزینش‌هایی از میان عناصر زبان، اعمال،

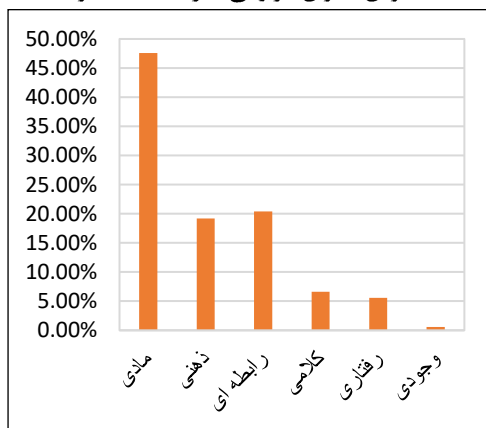
تفکرات و احساسات خود را منعکس می‌کند. فعل تجلی زبانی شدن فرآیندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای و... است. نویسنده با توجه به نوع نگاهش به جهان، برای ریختن معنا در کالبد زبان، فعلی از میان افعال موجود در زبان برمی‌گزیند. پس، گزینش افعال و فرآیندها تصادفی نیست و براساس معنای ذهنی نویسنده شکل می‌گیرد. می‌توان با بررسی افعال و فرآیندهای به‌کاررفته در آنها راهی به ذهن نویسنده پیدا کرد.

در این پژوهش، ۵۰۰ فرآیند (فعل) در هریک از سفرنامه‌ها به صورت تصادفی انتخاب و بررسی شده است. نتایج این بررسی در جدول‌های ۱ و ۲ قابل مشاهده است.

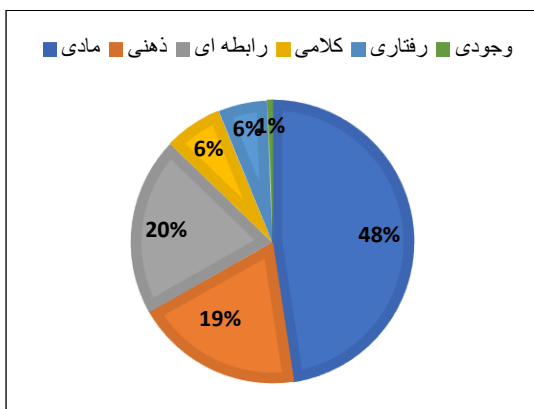
جدول ۳. فراوانی کاربرد انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

فراایندهای اصلی	تعداد	درصد	فراایندهای فرعی	تعداد	درصد
مادی	۲۲۸	۴۷/۶	کلامی	۳۳	۶/۶
ذهنی	۹۶	۱۹/۲	رفتاری	۲۸	۵/۶
رابطه‌ای	۱۰۲	۲۰/۴	وجودی	۳	۰/۶
			تعداد کل	۵۰۰	

در جدول ۳، مشاهده می‌شود که فرآیند مادی، با ۴۷/۶ درصد فراوانی، بر دیگر فرآیندها پیشی گرفته است. پس از آن، فرآیند رابطه‌ای با ۲۰/۴ درصد فراوانی در مقام دوم قرار دارد. فرآیند ذهنی با اختلاف کم با فرآیند رابطه‌ای با ۱۹/۲ درصد در رتبه بعدی قرار گرفته است. فرآیندهای کلامی و رفتاری با اختلاف ناچیز با هم در رتبه‌های چهارم و پنجم قرار دارند و در نهایت فرآیند وجودی، با کمترین میزان فراوانی، در جایگاه آخر است.



نمودار ۱. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

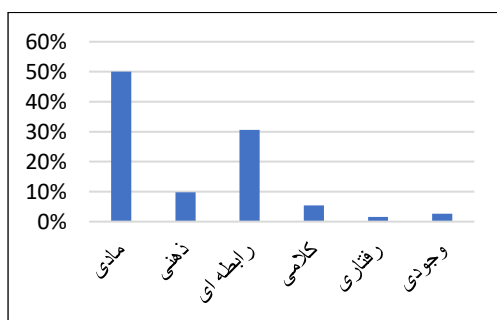


نمودار ۲. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه سکینه سلطان

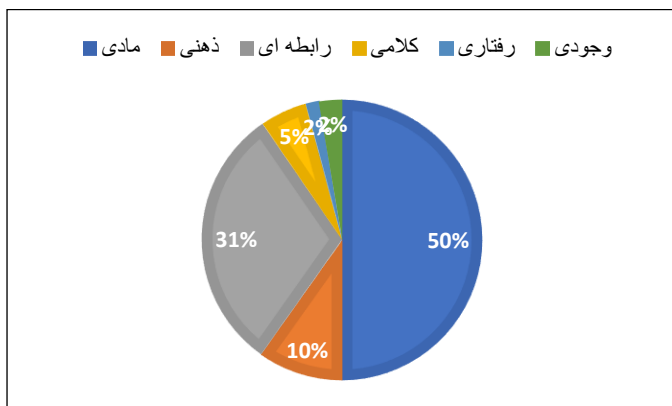
جدول ۴. فراوانی کاربرد انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس

فرآیندهای اصلی	تعداد	درصد	فرآیندهای فرعی	تعداد	درصد
مادی	۲۵۰	۵۰	کلامی	۳۷	۵.۴
ذهنی	۴۹	۹.۸	رفتاری	۸	۱.۶
رابطه‌ای	۱۵۳	۳۰.۶	وجودی	۱۳	۲.۶
			تعداد کل	۵۰۰	

همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، فرآیند مادی، با ۵۰ درصد فراوانی، در جایگاه اول قرار گرفته و پس از آن، فرآیند رابطه‌ای با ۳۰/۶ درصد فراوانی در مقام دوم است. فرآیند ذهنی با ۹/۸ درصد فراوانی در جایگاه سوم و پس از آن فرآیندهای وجودی و رفتاری با اختلاف کمی نسبت به هم به ترتیب در جایگاه پنجم و ششم قرار گرفته‌اند و کمترین بسامد را در متن دارند.



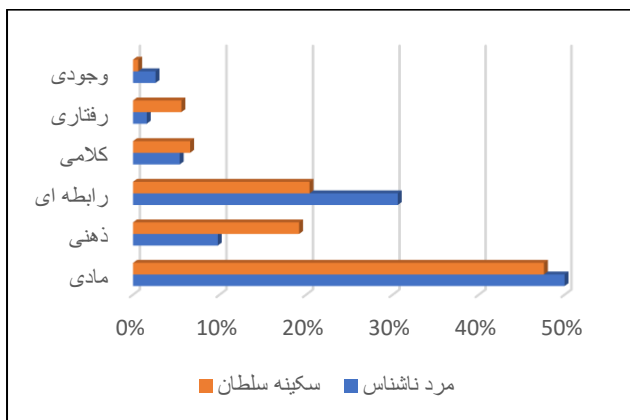
نمودار ۳. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس



نمودار ۴. درصد فراوانی انواع فرآیندها در سفرنامه مرد ناشناس

جدول ۵. مقایسه درصد کاربرد انواع فرآیندها توسط دو نویسنده

نوع فرآیند	سکینه سلطان	مرد ناشناس
مادی	۴۷/۶٪	۵۰٪
ذهنی	۱۹/۲٪	۹/۸٪
رابطه‌ای	۲۰/۴٪	۳۰/۶٪
کلامی	۶/۶٪	۵/۴٪
رفتاری	۵/۶٪	۱/۶٪
وجودی	۰/۶٪	۲/۶٪
مجموع فرآیندها	۱۰۰٪	۱۰۰٪



نمودار ۵. مقایسه درصد کاربرد انواع فرآیندها توسط دو نویسنده

همان‌طور که در جدول ۵ و نمودار ۵ مشاهده می‌شود، هردو نویسنده تقریباً به یک میزان (با اختلاف جزئی) فرآیندهای مادی را به‌کاربرده‌اند، اما درباره فرآیندهای ذهنی، سکینه سلطان ۹/۵ درصد بیشتر از مرد ناشناس فرآیند ذهنی به‌کاربرده است. در کاربرد فرآیندهای رابطه‌ای، مرد ناشناس، با اختلاف ۱۰/۲ درصد، از سکینه سلطان پیشی گرفته است.

با دقت‌نظر در این اختلافات، می‌توانیم پی ببریم که سکینه سلطان در تجربه‌اش از جهان خارج بیشتر به رخدادهای جهان درونش توجه کرده است، درحالی‌که مرد ناشناس بیشتر به کشف رابطه‌ها و ارزش‌گذاری جهان پرداخته است. سکینه سلطان بیشتر از مرد ناشناس از جهان درونش پرده برداشته است. او عواطف، احساسات و افکار خود را هم در سفرنامه بیان کرده است. بیشتر بودن کاربرد فرآیند رفتاری در سفرنامه سکینه سلطان (۴ درصد بیشتر از مرد ناشناس) هم مهر تأییدی است بر این مهم که سکینه سلطان اهمیت بیشتری به رفتارهای انسانی نشان داده است. از سوی دیگر، در کاربرد فرآیندهای کلامی، سکینه سلطان با اختلاف کم از مرد ناشناس پیشی گرفته است که می‌دهد سکینه سلطان بیشتر از مرد ناشناس با هم سفرانش هم‌کلام شده است، درحالی‌که اختلاف ۲ درصدی این دو در فرآیند وجودی (پیشی گرفتن مرد ناشناس) بر نگاه هستی‌شناختی نویسنده مرد در روایت پدیده‌ها در طول سفر دلالت دارد. همان‌طور که در کاربرد فرآیند رابطه‌ای هم مشاهده کردیم، مرد ناشناس بیشتر به اشیاء موجود در جهان توجه نشان داده است، درحالی‌که سکینه سلطان بیشتر به جهان درون خود توجه کرده و به‌جای ارزش‌گذاری پدیده‌ها در طول سفر، به بیان عقاید و افکار و مشاهدات و احساسات خود پرداخته است.

با اینکه اختلاف سبکی دو نویسنده در کاربرد فرآیندهای فعل، در بسیاری موارد، حداقلی است، در دستور نقش‌گرای هلییدی، هم بسامد پایین و هم بالا معنادار است؛ حتی، بسامد پایین یک مقوله نسبت به بسامد بالا نشان‌دارتر است؛ زیرا می‌تواند جایگاه‌های سکوت یک مقوله زبانی و دستوری را در متن به‌صورت دلالت‌مند تحلیل کند. در هردو سفرنامه، فرآیند مادی افعال نسبت به فرآیندهای دیگر بسامد بسیار بالاتری داشت که این موضوع با ماهیت ژانر ادبی سفرنامه متناسب است که کارکرد آن، روایت کنش‌ها، وقایع، رویدادها و پدیده‌هایی است که در دنیای بیرون تحقق یافته‌اند. توجه بیشتر سکینه سلطان به کنش‌ها و رخدادهای دنیای درون خود و رفتارهای انسانی، نشان‌دهنده توجه بیشتر او به

احساسات و افکار خود و همراهانش در طول سفر است، مسئله‌ای که در تجربه مرد ناشناس از جهان کمتر دیده شد. این تفاوت ممکن است از جنسیت این دو نویسنده متأثر باشد. مرد در جریان سفر به دنبال این است که بداند در هر منزلی خرج و مخارجش چقدر می‌شود. زن کمتر به این موضوع توجه دارد و خرج و مخارج را به برادرش که در این سفر همراه او است سپرده است. مرد کمتر به خطرهای سختی‌هایی را که در سفر متحمل شده در نوشته‌هایش شرح داده است. ترس‌ها، نگرانی‌ها و سختی‌هایی را که در سفر متحمل شده در نوشته‌هایش شرح داده است. مرد در مواجهه با حرم معصومان، مانند نویسنده زن، ابراز احساسات نمی‌کند و بیشتر به توصیف معماری و فضای حرم‌ها می‌پردازد. از سوی دیگر، سکینه سلطان، با اینکه به ظاهر همراهانی دارد، چندان با آنها گفت‌وگو نمی‌کند و به نظر می‌رسد تنهاست و همدم تنهایی او، یعنی برادرزاده‌اش، که در همه سفرها او را همراهی می‌کرده است، در این سفر با او نیست و سکینه سلطان برای او اظهار دلتنگی می‌کند.

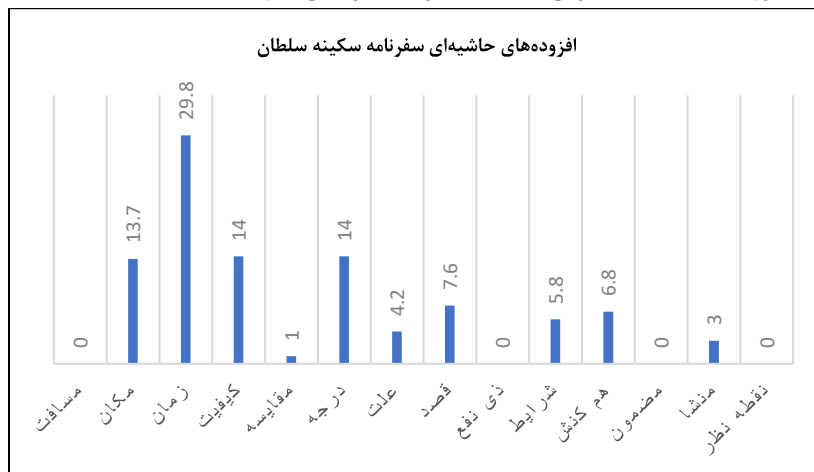
با اینکه عناصر حاشیه‌ای جزء ساختار ذاتی نحو جمله نیست و بیشتر در نقش وابسته‌های فعل عمل می‌کند، در توصیف جهان ذهنی گوینده و کشف شیوه بازنمایی تجربیات جهان پیرامون عنصری سبکی محسوب می‌شود و ماهیت و کارکردی نشانه شناختی دارد. در سفرنامه سکینه سلطان، در مجموع، ۳۷۹ افزوده حاشیه‌ای و در سفرنامه مرد ناشناس، ۲۷۷ افزوده حاشیه‌ای مشاهده شد. این اختلاف زیاد در کاربرد عناصر پیرامونی، تفاوت سبکی چشمگیری را در نوشتار دو نویسنده نشان می‌دهد.

جدول ۶. افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه سکینه سلطان

تعداد	نوع افزوده	تعداد	درصد	زیربخش‌های افزوده	تعداد	درصد
۰	گستره	۰	۰	مسافت	۰	۰
				دیرش	۰	۰
				بسامدی	۰	۰
۹۰/۱٪ ---	موقعیت	۱۶۵	۴۳/۵٪	مکان	۵۲	۱۳/۷
				زمان	۱۱۳	۲۹/۸
۳۴۲	شیوه	۱۱۰	۲۹٪	وسیله	۰	۰
				کیفیت	۵۳	۱۴
				مقایسه	۴	۱
				درجه	۵۳	۱۴
۱۱/۸٪	سبب	۴۵	۱۱/۸٪	علت	۱۶	۴/۲
				قصد	۲۹	۷/۶

۰	۰	به‌خاطر (ذی‌نفع)					
۵/۸	۲۲	شرایط	۵/۸ %	۲۲	محتمل		
۰	۰	پیش‌فرض					
۰	۰	پذیرش					
۶/۸	۲۶	هم‌کنش	۶/۸ %	۲۶	همراهی	۶/۸ %	گسترشی
۰	۰	افزایشی					
۰	۰	در مقام	۰	۰	نقش	۰	تشریحی
۰	۰	محصول					
۰	۰	مضمون					
۳	۱۱	منشأ	۳ %	۱۱	زاویه	۳ %	فراافکنی
۰	۰	دیدگاه					

همان‌طور که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، از تعداد ۳۷۹ افزوده حاشیه‌ای به‌کاررفته در سفرنامه سکینه سلطان، بیشترین بسامد مربوط به افزوده زمان با فراوانی ۱۱۳ (۲۹ درصد) است. پس از آن، افزوده‌های کیفیت، درجه و مکان، با بسامد یکسان یا نزدیک به هم، هر کدام، ۵۳ مورد (۱۴ درصد) در متن به‌کاررفته‌اند. پس از آن، افزوده قصد با ۷/۶ درصد، همراهی با ۶/۸ درصد، افزوده احتمال با ۵/۸ درصد، علت با ۴/۲ درصد، منشأ با ۳ درصد و در نهایت افزوده مقایسه با کمترین بسامد (۱ درصد) در متن نمود یافته‌اند.

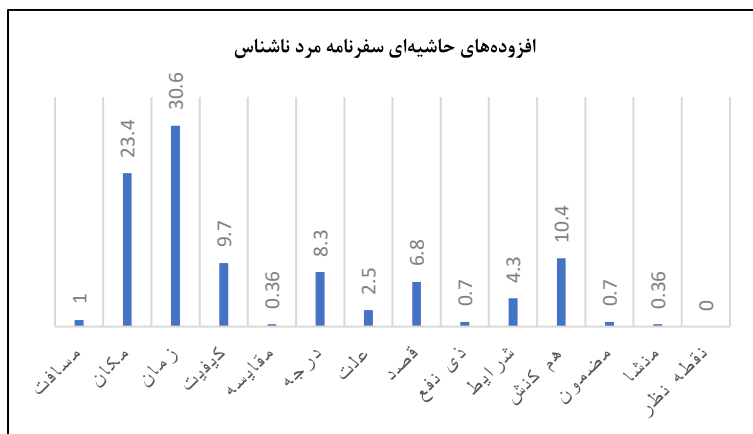


نمودار ۶. درصد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه سکینه سلطان

جدول ۷. افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس

تعداد	نوع افزوده	تعداد	درصد	زیربخش‌های افزوده	تعداد	درصد
۸۷٪ --- ۲۴۱	گستره	۳	۱	مسافت	۳	۱
				دیرش	۰	۰
				بسامدی	۰	۰
	موقعیت	۱۵۰	۵۴٪	مکان	۶۵	۲۳/۴
				زمان	۸۵	۳۰/۶
	شیوه	۵۱	۱۸/۴٪	وسيله	۰	۰
				کیفیت	۲۷	۹/۷
				مقایسه	۱	۰/۳۶
				درجه	۲۳	۸/۳
	سبب	۲۸	۱۰/۱٪	علت	۷	۲/۵
قصد				۱۹	۶/۸	
به‌خاطر (ذی‌نفع)				۲	۰/۷	
محتمل	۱۲	۴/۳٪	شرایط	۱۲	۴/۳	
			پیش‌فرض	۰	۰	
			پذیرش	۰	۰	
همراهی	۲۹	۱۰/۴٪	هم‌کنش	۲۹	۱۰/۴	
			افزایشی	۰	۰	
نقش	۰	۰	در مقام	۰	۰	
			محصول	۰	۰	
مضمون	۳	۰/۷٪	مضمون	۲	۰/۷	
			منشأ	۱	۰/۳۶	
			دیدگاه	۰	۰	
زاویه	۱	۰/۳۶٪	دیدگاه	۰	۰	
			دیدگاه	۰	۰	
۱۰/۴٪	گسترشی	۲۹	۱۰/۴٪	هم‌کنش	۲۹	۱۰/۴
۰	تشریحی	۰	۰	در مقام	۰	۰
۱٪	فرافکنی	۱	۰/۳۶٪	منشأ	۱	۰/۳۶

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود، در سفرنامه مرد ناشناس، از مجموع ۲۷۷ افزوده حاشیه‌ای، بیشترین بسامد متعلق به افزوده زمان (۸۵ مورد) با ۳۰ درصد بسامد، پس از آن، افزوده مکان با ۶۵ مورد فراوانی (۲۳/۴ درصد)، سپس افزوده همراهی با ۲۹ مورد، کیفیت با ۹/۷ درصد، درجه با ۸/۳ درصد، قصد با ۶/۸ درصد، احتمال با سه‌چهارم درصد، علت با ۲/۵ درصد، مسافت با ۱ درصد و پس از آن افزوده‌های مضمون و ذی‌نفع و منشأ و دیدگاه با فراوانی کمتر از ۱ درصد در متن حضور دارند.



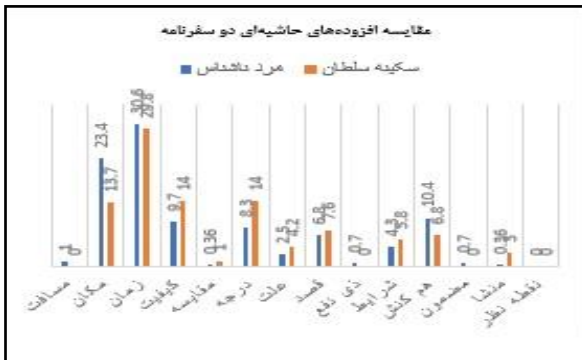
نمودار ۷. درصد انواع افزوده‌های حاشیه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس

جدول ۸. مقایسه افزوده‌های حاشیه‌ای دو سفرنامه

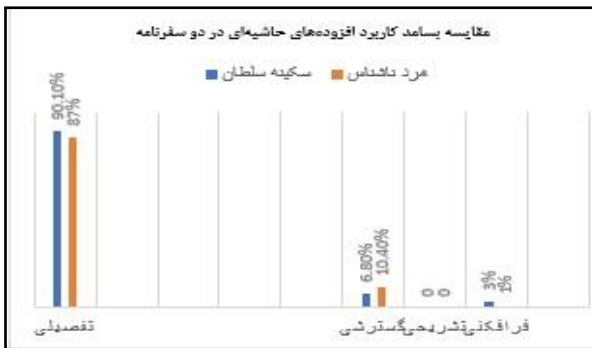
مرد ناشناس	سکینه سلطان		مرد ناشناس	سکینه سلطان	
۱٪	۰	گستره	۸۷٪	۹۰/۱٪	تفصیلی
۵۴٪	۴۳/۵٪	موقعیت			
۱۸/۴٪	۲۹٪	شیوه			
۱۰/۱٪	۱۱/۸٪	سبب			
۴/۳٪	۵/۸٪	احتمال			
۱۰/۴٪	۶/۸٪	همراهی	۱۰/۴٪	۶/۸٪	گسترشی
۰	۰	نقش	۰	۰	تشریحی
۰/۷٪	۰	مضمون	۱٪	۳٪	فراکنی
۰/۳٪	۳٪	زاویه دید			

آن‌گونه که در جدول ۸ مشاهده می‌شود، کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای مربوط به موقعیت در سفرنامه مرد ناشناس نسبت به سکینه سلطان ۱۰ درصد بیشتر است. در مقابل، سکینه سلطان در کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای مربوط به شیوه، با حدود ۱۰ درصد اختلاف بر مرد ناشناس پیشی گرفته است. کاربرد افزوده‌های سبب و احتمال در سفرنامه سکینه سلطان با اختلاف جزئی نسبت به نثر مرد ناشناس بیشتر بوده است، درحالی‌که در سفرنامه مرد ناشناس افزوده‌های مربوط به همراهی، با حدود ۴ درصد اختلاف، بیشتر است. نیز افزوده‌های مربوط به زاویه دید در سفرنامه سکینه سلطان با اختلاف حدود ۳ درصد نمود بیشتری دارد.

باید به این نکته اذعان داشت که تفاوت نثر دو نویسنده در شیوه بازنمایی تجربیات، که از طریق ساخت‌گذاری بندها نمود پیدا کرده است، وجود نوشتاری مستقل برای زنان را اثبات نمی‌کند و بیشتر نشان‌دهنده نوعی سبک زنانه در نوشتار است. طاهری (۱۳۸۸)، با تمسک به نظریه‌های فلسفی، وجود پدیده‌ای به نام نوشتار زنانه را صرفاً نوعی توهم می‌داند و اختلافات موجود در آثار زنان و مردان شاعر و نویسنده را تنها تفاوت در سبک نوشتار تلقی می‌کند: «در فلسفه غرب، تقریباً به‌جز اسپینوزا، همه متفکران بر این باورند که ذهن آدمی امری فراجنسیتی است. بنابراین، زبان نیز نه‌تنها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فرآورده‌های ذهنی، بلکه تنها ابزار تجلی‌بخش ذهن، خارج از دایره تمایزات جنسیتی قرار خواهد گرفت...» (ر.ک: طاهری، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۸).



نمودار ۸. مقایسه بسامد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه



نمودار ۹. مقایسه بسامد کاربرد افزوده‌های حاشیه‌ای در دو سفرنامه

نتیجه گیری

زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، که در سه نظام فرانقشی اندیشگانی، بینافردی و متنی تحقق می‌یابد، در مطالعات سبکی متون ادبی روشی کارآمد است. در این پژوهش، به‌منظور سبک‌شناسی ادبی، دو سفرنامه عهد قاجار را، که نویسنده یکی مرد و نویسنده آن دیگری زن است، مطابق فرانقش اندیشگانی و ساخت‌گذاری، که در فرآیندهای افعال نمود می‌یابد، بررسی کردیم. با انتخاب ۵۰۰ فرآیند در دو متن، که از نظر حجم نیز نزدیک به هم هستند، و مقایسه فرآوانی فرآیندهای افعال آنها، به شیوه بازنمایی تجربیات و ذهنیت دو نویسنده در زبان پرداختیم. تفاوت میزان و انواع فرآیندها و عناصر حاشیه‌ای در دو سفرنامه، تفاوت سبک نوشتار دو نویسنده را نشان می‌دهد. بسامد بالای فرآیند مادی نسبت به فرآیندهای دیگر در دو سفرنامه با ماهیت ژانر ادبی سفرنامه، که محل ثبت و روایت وقایع، رویدادها و تجربیات زیسته فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و اقتصادی انسان‌هاست، تناوب دارد. از سوی دیگر، بسامد بالای این فرآیند در دو سفرنامه نشان می‌دهد که هر دو نویسنده در تجربه جهان پیرامون خود به رخدادها و کنش‌های جهان خارج بسیار نظر داشته‌اند که با ویژگی ژانر سفرنامه، که گزارش وقایع بیرون است، نیز سازگاری دارد. در فرآیندهای دیگر، اگرچه اختلافات اندک است، تفاوت‌های ظریفی در سبک نوشتار دو نویسنده زن و مرد دیده می‌شود. بسامد بیشتر فرآیندهای رابطه‌ای در سفرنامه مرد ناشناس نشان‌دهنده توجه بیشتر او به روابط دنیای پیرامون و ارزش‌گذاری این روابط بوده است. در مقابل، بسامد بالای فرآیند ذهنی و رفتاری در سفرنامه سکینه سلطان از توجه بیشتر او به توصیف دنیای درونش و تأثیرپذیری احوال درونی او از واقعیات دنیای خارج و توجه بیشتر به رفتار در مواجهه با انسان‌ها حکایت دارد. بسامد پایین فرآیند کلامی و وجودی، با فضای نوشتاری سفرنامه تناسب دارد که ساختار آن بر روایت گزارش‌گونه و توصیفی وقایع، پدیده‌ها و رویدادهای جهان خارج استوار است. نیز، آنچه در سفرنامه‌ها مطرح می‌شود بیشتر نگاه معرفت‌شناختی به جهان خارج است تا نگاه هستی‌شناختی و وجودشناسانه. این موضوع بسامد پایین فرآیندهای وجودی را تا حدودی توجیه می‌کند. در چنین فضایی، گفت‌وگو و مکالمه زیاد شکل نمی‌گیرد. چون سفرنامه بیشتر براساس مشاهدات استوار است

و نمود ساحت بینافردي، که تجلی روابط افراد با یکدیگر در نظام اجتماعی است، به‌ندرت امکان ظهور می‌یابد و به‌تَبَع آن، فرآیند کلامی نیز فراوانی کمی دارد.

در بحث ساخت‌گذرایی و مشارکان فرآیند بر مبنای نظریه هاپر و تامسون، در هر سفرنامه با بررسی سی‌جمله که به‌صورت تصادفی انتخاب شده‌اند، میزان‌گذرایی این جملات و ارتباط‌شان با بحث پیش‌زمینه و پس‌زمینه در متن بررسی شد. نتایج نشان داد، همان‌طور که هاپر و تامسون در مقاله خود مطرح کرده‌اند، در این دو سفرنامه هر جا نویسندگان برای بیان مطلب اصلی زمینه‌چینی می‌کنند، جملات از گذرایی کمتری برخوردارند و هر جا کلام اصلی و مطلب مهمی مطرح شده است، میزان‌گذرایی جملات بالاتر است؛ به‌این‌معنا که فرآیندهای فعلی در پیش‌زمینه کلام، تعداد مشارکان بیشتری دارد، ارادی، مثبت، دارای وجه واقعی، با عاملیت بالا و نمود غایی است و فردیت مفعول و میزان تأثیرپذیری مفعول هم نسبت به جملات در پس‌زمینه کلام بیشتر است. میزان کاربرد عناصر یا افزوده‌های حاشیه‌ای نسبت به فرآیندها، تفاوت سبکی بیشتری میان دو متن نشان می‌دهد. فراوانی کاربرد عناصر پیرامونی در سفرنامه سکینه سلطان نسبت به سفرنامه مردنا شناس تفاوت چشمگیری دارد. این موضوع نشان می‌دهد که نویسنده زن در طول سفر بیشتر از نویسنده مرد به جزئیات توجه کرده است. توجه به جزئیات از سوی زن و کلیات از جانب مرد، تفاوت روان‌شناختی و شخصیتی روشنی میان دو سبک نشان می‌دهد. از میان این عناصر حاشیه‌ای، افزوده مکان و همراهی در سفرنامه مردنا شناس و افزوده درجه، کیفیت و قصد و علت، که از جزئی‌نگری زن حکایت دارد، در سفرنامه سکینه سلطان به‌ترتیب بسامد بیشتری دارد.

این تفاوت‌های زبانی بیشتر گویای تفاوت سبک نوشتار دو نویسنده است و به‌معنی اثبات یک نظام نوشتاری مستقل و فردیت‌یافته بر اساس جنسیت برای زن نسبت به مرد نیست. البته، نتیجه این بحث، که براساس یکی از نظریه‌های زبان‌شناسی انجام گرفته است، نظیر ماهیت دیگر پژوهش‌های زبان‌شناختی به همه متونی که زنان و مردان نوشته‌اند تعمیم‌پذیر نیست. پژوهش زبان‌شناختی که درباره این دو سفرنامه صورت گرفت، تفاوت سبک نوشتار زنانه و مردانه را در این دو متن نشان می‌دهد و قطعاً تعمیم سبک‌شناختی این دیدگاه نیازمند مطالعه و پژوهش پیکره‌مند گسترده‌تری از متون است.

پی‌نوشت

1. Metafunction
2. Ideational Function
3. Interpersonal Function
4. Textual Function
5. Process
6. Participants
7. Circumstantial adjunct
8. Material clause
9. Mental clause
10. Relational clause
11. Behavioral clause
12. Verbal clause
13. Existential clause

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰) *تحلیل گفتمان انتقادی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- ایشانی، طاهره (۱۳۹۳) «بررسی ویژگی‌های سبکی و شخصیتی سیمین دانشور با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا». *زبان‌شناخت*. سال پنجم. شماره ۱: ۱۹-۳۴.
- ایشانی، طاهره و زینب برزگری (۱۳۹۸) «بررسی سنجشی مضمون و سبک در حکایات و حکمت‌های گلستان و بهارستان براساس کارکرد تجربی فرانشی اندیشگانی». *علم زبان*. دوره ششم. شماره ۱۰: ۳۵۶-۳۲۵.
- پهلوان‌نژاد، رضا و آزاده نجفی (۱۳۸۷) «اهمیت نقش ارتباطی زبان در جهت فرآیند زبان‌آموزی در کودکان دبستانی». *نوآوری‌های آموزشی*. سال هفتم. شماره ۲۸: ۴۷-۷۴.
- راسخ‌مهند، محمد، و مسعود محمدی‌راد (۱۳۹۴) «تأثیر گذرایی بر ساخت جمله در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. سال پنجم. شماره ۹: ۱-۴۷.
- رضویان، حسین، و شیوا احمدی (۱۳۹۵) «نگاهی به نقش جنسیت نویسنده در ارائه جزئیات در داستان براساس دستور نقش‌گرا». *جستارهای زبانی*. دوره هفتم. شماره ۶: ۳۴۳-۳۷۰.
- سفرنامه عتبات (۱۳۹۱) تصحیح و تحقیق سید خلیل طاووسی. *پیام بهارستان*. شماره ۱۵: ۱۹-۳۹۳.
- سکینه سلطان (وقاردوله) (۱۳۱۷ ق) *خانوم فردا کوچ است*. ویرایش و تدوین زهرا صالحی‌زاده. تهران: اطراف.

بتول واعظ، عطیه سادات نصری / بازخوانی دو سفرنامه دوره قاجار در پرتو نظریه زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی...

صدری، نیره (۱۳۹۴) «بررسی سبک‌شناختی گلستان سعدی با تکیه بر زبان‌شناسی نقش‌گرا». رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبائی.

صفایی، مژگان، سیدمحمدرضا عادل، محمود رمضان‌زاده لک (۱۳۹۶) «بررسی و تحلیل فرآیندهای فرانش اندیشگانی در شعر «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» اثر فروغ فرخزاد در چارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی». شعرپژوهی. سال نهم. شماره ۲: ۱۷-۱۴۰.

طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸) «زبان و نوشتار زنانه؛ واقعیت یا توهم؟». زبان و ادب پارسی. شماره ۴۲: ۸۷-۱۰۷. عزیزخانی، مریم، سیدرضا نجفی سلیمان‌زاده، نصرالله شاملی (۱۳۹۶) «کاربست دستور نقش‌گرای هلیدی بر سوره اشراخ». پژوهش‌های ادبی-قرآنی. سال پنجم. شماره ۴: ۶۹-۹۴.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۹۵) سیر زبان‌شناسی. چاپ هفتم. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. فالر، راجر (۱۳۸۱) ادبیات به‌منزله کلام، زبان‌شناسی و نقد ادبی. ترجمه مریم خوزان و حسین پاینده. ویراست دوم. تهران: نی.

مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۹۳) به‌سوی زبان‌شناسی شعر. تهران: آگه.

وفایی، عباسعلی، و فرشته میلادی (۱۳۹۹) «بررسی جایگاه تجربه‌گر در نظام فکری اشراقی برمبنای فرانش اندیشگانی (مطالعه موردی: رسائل لغت موران و صفیر سیمرغ)». ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی. سال شانزدهم. شماره ۵۹: ۲۷۱-۲۹۶.

هلیدی، مایکل و رقیه حسن (۱۳۹۵) زبان، بافت و متن. ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی. چاپ دوم. تهران: علمی.

Thompson, Geoff (2004) *Introducing Functional Grammar*. 2nd ed. London: Arnold Publication.

Halliday, Michael and Matthiessen Christian (2004) *Introduction to Functional Grammar*. 3rd ed. Hodder Arnold Pub.

Hopper, Paul J. & Sandra A. Thompson (1980) "Transitivity in grammar and discourse". *Language*, 56: 251-299.